

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

اللباب في تفسير الكتاب

تأليف:

علامة آيت الله سيد كمال حيدري

ترجمه:

حیدر اشرف آل طہ

ویرایش و بازنگاری:

دکتر مسعود فکری

فهرست مطالب

سخن ناشر	۷
نگاهی گذرا به زندگی نامه علمی آیت‌الله سید کمال حیدری	۹
مقدمه ویراستار	۱۳
فصل ۱. مباحث مقدماتی	۱۵
فصل ۲. روش‌ها و شیوه‌ها	۲۷
فصل ۳. قاعده وضع لفظ برای روح معانی و دلالت مصدق بر غایت و غرض	۵۷
فصل ۴. قاعده جری و انطباق	۶۹
فصل ۵. محکم و مشابه در قرآن کریم	۸۱
فصل ۶. تأویل القرآن (نظریه و نتایج)	۹۱
فصل ۷. ظاهر و باطن قرآن کریم	۱۱۱
فصل ۸. مراتب وجودی قرآن	۱۲۵
فصل ۹. تأثیر فهم مفردات قرآنی در تفسیر	۱۴۳
فصل ۱۰. تکرار و اهمیت مفردات قرآن در فهم متن قرآن کریم	۱۴۹
فصل ۱۱. سوره حمد	۱۵۷
منابع و مأخذ	۴۰۳

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَأْوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا أَنْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَلَّنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکہ النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متنه‌د، باتفاق و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این نظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش آموختگان این نهاد است که امید مسی رو به اتكاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (انشاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

نگاهی گذرا به زندگی نامه علمی آیت‌الله سید کمال حیدری

وی در سال ۱۳۷۶ هق برابر با ۱۹۵۷ م در کربلاه حسینی چشم به دنیا گشود. از دوران نوجوانی در کنار دروس رسمی به دروس حوزوی علاقمند شده و در دروس فقهی اصولی برخی بزرگان شرکت می‌نمود. از لحاظ اجتماعی و سیاسی نیز فعالیت‌هایی داشت که در نهایت منجر به تعقیب ایشان از طرف حکومت بعضی گردید و ایشان مجبور به ترک کربلاه و نجف شده در شهر مقدس قم رحل اقامت افکناند. وی برادر سه شهید است که به دست رژیم ظالم بعضی به مقام شهادت نائل شدند.

زندگی علمی

خدمت علمی به مکتب اهل بیت و عصمت و طهارت افتخار و موهبتی الهی است که نصیب تعدادی از بزرگان علم و دانش شده است. این مهم با غور در آیات کریمه قرآنی و روایات و احادیث شریفه و صرف عمر در تدبیر و اندیشیدن در آیات الهی حاصل می‌شود. و نیاز به مجاهده شبانه روزی در کسب دانش‌های مختلف اعمّ از فقه و اصول و علم الحديث و درایه و تفسیر و کلام و فلسفه و علوم ادبی و دارد. از این رو از دانشمندان بسیاری که به علوم وحیانی اهل بیت عصمت می‌پردازند تعداد کمی به قله‌های دانش می‌رسند. از جمله این بزرگان می‌توان به جناب آیت‌الله سید کمال حیدری اشاره نمود.

ایشان در ابتدا در کربلاه و سپس در نجف اشرف به کسب علم از علماء و فقهای آن روزگار مبادرت ورزیدند. از استاد ایشان در آن دوره می‌توان به آیت الله سید محمد تقی حکیم، آیت الله شهید سید عبدالصاحب حکیم، آیت الله شهید سید محمد باقر صدر، آیت الله سید أبو القاسم خوئی، آیت الله میرزا علی غروی، آیت الله سید نصرالله مستنبط اشاره نمود. البته بیش از همه از روش علمی و نیز حضور اجتماعی شهید صدر تأثیر پذیرفتند تا جایی که از وکلای شرعی ایشان در کربلاه شدند. تأثیر پذیری ایشان از شهید صدر در بسیاری از آثار علمی ایشان مشهود است.

پس از این که در شهر مقدس قم رحل اقامت افکنندگی به کسب فیض از علمای بزرگی چون آیت الله جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی در فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی و علامه حسن زاده آملی در تفسیر و فلسفه و عرفان و پرداختند. از این پس خود در مسند تدریس علوم اهل بیت نشسته و علاوه بر تدریس مکرر دوره‌های سطح چندین سال به تدریس دروس خارج فقه و اصول و فلسفه و عرفان و تفسیر و عقاید مشغول هستند. و از آنجا که تمامی تدریس‌های ایشان به زبان عربی بوده توفیق این را داشته‌اند که جهان عرب را با معارف عمیقی که در حوزه‌های علمیه شیعه به خصوص نزد بزرگانی چون علامه طباطبائی (ره) و امام خمینی (ره) و بوده است آشنا سازند. از توفیقات ایشان این بوده است که در برنامه‌های ماهواره‌ای که سال‌های متمادی بیش از ۱۰ سال - به زبان عربی در پاسخ به اندیشه‌های انحرافی جریان سلفی و هابی داشته‌اند توانسته‌اند قشر عظیمی از مخاطبین این اندیشه‌ها را از اندیشه‌های ناب اهل بیت سیراب سازند. این امر تا آنجا پیش رفته است که مراکز عمدۀ سلفی گردی و هابی گردی برای پاسخ‌دهنده به ایشان جایزه‌های هنگفتی تعیین نموده‌اند. ایشان علاوه بر تدریس در تألیف آثار علمی نیز از توفیقات بسیاری برخوردار بوده‌اند که بیش از ۱۰۰ جلد اثر در حوزه‌های گوناگون قرآنی-تفسیری، فقهی-اصولی، عقیدتی-کلامی، فلسفی-منطقی و اخلاقی و داشته‌اند.

از جمله آثار ایشان می‌توان به عنوان ذیل اشاره نمود(شایان ذکر است
برخی از این عناوین در حال ترجمه به فارسی است):
آثار علمی:

۱۵. علم الإمام (بحوث في
حقيقة ومراتب علم الأئمة
المعصومين)
۱۶. العصمة بحث تحليلي في
ضوء المنهج القرآني
۱۷. فلسفة الدين (مدخل لدراسة
منشأ الحاجة إلى الدين و تكامل
الشعريات)
۱۸. البداء وكيفية وقوعه في
العلم الإلهي
۱۹. القضاء والقدر وإشكالية
تعطيل الفعل الإنساني
۲۰. رؤية الله بين الإمكان و
الامتناع
۲۱. الغلو حقيقته و أقسامه
و از آثاری که با رویکرد تاریخی
و حدیثی در باب کلام مذاهب
نگاشته اند می‌توان آثار ذیل را نام
برد:
۲۲. التوحيد عند ابن تيمية
۲۳. معالم الإسلام الأموى
۲۴. السلطة وصناعة الوضع
والتأويل (دراسة في حياة معاوية)
- (الف) آثار قرآنی
۱. منطق فهم القرآن ۳ جلد
۲. اللباب في تفسير الكتاب
۳. يوسف الصديق رؤية قرآنية
۴. الأسماء الحسنة في القرآن
الكريم
۵. أصول التفسير و التأويل أصول
التفسير و التأويل (مقارنة منهجية
بين آراء الطباطبائی و أبرز
المفسّرين) ۲ جلد
۶. الاعجاز بين النظريه و التطبيق
۷. أولويات منهجية في فهم
المعرف الدينية
۸. التقوی في القرآن
۹. صيانة القرآن من التحریف
۱۰. مفهوم الشفاعة في القرآن
۱۱. المعاد رؤية قرآنی ۲ ج
۱۲. العرش و الكرسي في القرآن
الكريم
- (ب) آثار عقایدی:
۱۳. التوحيد بحوث تحلیلیة فی
مراتبه ومعطیاته ۲ ج
۱۴. الشفاعة بحوث في حقیقتها
وأقسامها ومعطیاتها

١٢ ـ الباب في تفسير الكتاب

- | | |
|--|--|
| د) آثار اصولی - فقهی | ج) آثار فلسفی - منطقی |
| ٣٢. شرح حلقات شهید صدر | ٢٥. شرح منطق مظفر |
| ٣٣. معالم التجديد الفقهی | ٢٦. شرح نهاية الحکمة |
| (معالجه إشكالية الثابت و المتغير
في الفقه الإسلامي) | ٢٧. شرح حکمت متعالیه (اسفار
اربعه) |
| ٣٤. بحوث في عملية الاستنباط
الفقهي | ٢٨. بحوث في علم النفس
الفلسفی |
| ه) أخلاق و عرفان | ٢٩. فلسفة صدر المتألهين |
| ٣٥. العرفان الشيعي رؤى في
مرتكزاته النظرية و مسالكه العملية | ٣٠. مدخل إلى مناهج المعرفة
عند المسلمين |
| ٣٦. التربية الروحية | ٣١. المذهب الذاتي في نظرية
المعرفة |

از ویژگی های ایشان در مسائل علمی این است که معتقدند برای اینکه فردی اسلام شناس و مجتهد در معارف اسلامی به معنای عام شود لازم است به تمامی علوم اسلامی پردازد. از تفسیر قرآن و علوم قرآنی و علوم حدیث و رجال و درایه تا فقه و اصول و در نهایت اعتقادات و فلسفه و عرفان همه و همه در گستره علوم اسلامی جای دارند و در منظومه معرفتی اسلام شناسی نقش خود را ایفا می کنند. و البته مجتهد محقق کسی خواهد بود که در این عرصه های متعدد به بی ریزی بن مایه های معرفتی خود بر مبنای عقل و نقل پرداخته باشد. از این رو خود ایشان در تدریس های خود در سالیان متعدد به تمامی این حوزه های معارف اسلامی پرداخته اند و شاید این خصوصیت ایشان که در جهان اسلام نمونه هایی مانند امام خمینی(ره)، علامه طباطبائی(ره) و آیت الله جوادی آملی و ... داشته است، در جهان عرب کم نظریر باشد.

مقدمه ویراستار

بی‌گمان قرآن کریم به عنوان برجسته‌ترین منبع شناخت اسلام و دریافت پیام الهی برای بشر به شمار آمده و همواره مورد توجه و اهتمام مسلمانان بوده است. از هنگام نزول این کتاب آسمانی بر پیامبر عظیم الشأن اسلام(ص) تا امروز که قرن‌های پیاپی بر آن سپری شده است، اندیشمندان مسلمان با گوناگونی روش‌ها و نگرش‌ها و ابزارها در صدد کشف گنجینه‌های این اقیانوس بیکران معرفت و آگاهی بوده، کوشیده‌اند به فراخور نیاز و درخواست مخاطبان خود از این حقیقت ناب پرده بر گیرند. برخورداری این کتاب ارجمند از لایه‌های عمیق و تو در تو و بی‌پایان از آگاهی‌بخشی در عرصه‌های گوناگون و مرتبط با ایمان و عمل انسان و شوق دریافت هر چه بهتر پیام خداوندی برای بشریت موجب گردید تا دانشی در میان مسلمانان با نام تفسیر پدید آید که وظیفه اصلی آن گشودن گره‌های فهم این پیام آسمانی و نزدیک‌تر شدن فهم انسان به مقصد و مراد پروردگار است. پر واضح است که دانش تفسیر با برخورداری از جایگاه مربوط به این کتاب مقدس از ضوابط و مقررات ویژه‌ای پیروی کند تا در راستای وظیفه خود عمل کرده به ورطه انحراف و کجروی نیفتد. از این‌رو عالمان عرصه قرآن‌پژوهی قواعدی را برای آن وضع کرده‌اند. البته پایین‌دی به این ضوابط هرگز مانع بالندگی و تنوع این دانش و پدید آمدن تفاسیر مختلف نگردیده

است. که این موضوع علاوه بر قابلیت ژرفناکی قرآن کریم از امکان چندسویه‌نگری به این منبع آسمانی حکایت دارد. باید پذیرفت با وجود نقاط مشترک، فراوانی در روش‌های تفسیری که اغلب آنها به مباحث زبانی و روایی برمی‌گردد دیدگاه‌های تفسیری مفسران منعکس کننده زاویه نگرش آنان به قرآن و سطح ادراک و فهم ایشان از این کتاب است، و نه برابر با مقصود خداوند. از طرف دیگر قابلیت ماندگاری و جاودانگی این کتاب ایجاد می‌کند که تفاسیر آن با وجود بهره‌گیری از دیدگاه‌های پیشینیان پیوسته به تناسب عصر و زمان و نیازهای مخاطبان نوشود. و همین سبب نگارش و تالیف منابع جدید تفسیری است. مؤلف این اثر حضرت علامه سید کمال حیدری به جهت تبعه‌های فراوان و تکیه بر متن قرآن به عنوان معتبرترین سند اسلامی در زمینه تفسیر قرآن کریم به نگارش این اثر پرداخته و کوشیده است پس از ارائه مقدمه کوتاهی در بیان روش‌ها و ضرورت‌های تفسیر قرآن وارد به عرصه تفسیر آیات سوره مبارکه حمد گردند. علاوه بر ویژگی دقت و همه‌جانبه بودن این تفسیر تکیه بر منابع متعدد در گردآوری مطالب آن بسیار در خور تقدیر است. این اثر توسط آقای حیدر آل طه از عربی به فارسی برگردانده شده است. و پس از بازنگری و ویراستاری اکنون در اختیار خوانندگان گرامی قرار می‌گیرد. امید است برای علاقه‌مندان به فهم قرآن کریم سودمند افتد.

والله من وراء القصد

تایستان ۱۳۹۲

دانشگاه امام صادق(ع)



مباحث مقدماتی

دیباچه

تفسیر قرآن کریم به شناخت کاملی از مجموعه مقدمات تفسیری نیاز دارد، از جمله آنها - بلکه مهمترین آن - آشنایی بر روش‌های تفسیری است، و آگاهی از قواعد و اصولی است که به عنوان عناصر مشترک در فهم این متن محسوب می‌شوند.

از اینجا اهمیت پژوهش در مجموعه مقدمات تفسیری، که به صورت عملی بر جریان علمی تفسیر تأثیر دارد، مشخص می‌شود. از جمله این مباحث - اگر نگوییم مهمترین آنها - موضوع روش‌های تفسیری است، همراه با مجموعه اصول مقدماتی دیگری که به صورت فرعی در ترسیم سیمای نگاه تفیسیری که در پی ارائه آن هستیم.

کما این که باید از اهمیت نگاه نقادانه بر این مقدمات غافل بود، به ویژه نسبت به فهم تفسیری مفردات قرآنی و تأثیر آشکار آن بر نتایج قطعی و عملی تفسیر، که علاوه بر پایبندی به اولویت تفسیری یا روش موضوعی باید انجام گیرد؛ که برخی گمان می‌کنند این روش مانع پژوهش عمیق در مفردات قرآنی می‌گردد، یا به معنای متن نسبت به معنای مفردات اولویت می‌دهد، اما بدون شک در غیر این صورت لغزش فراوان شخص در فهم معارف قرآنی را به دنبال خواهد داشت. برای حرکت صحیح در این

موضوع، زمینه‌ای جز شناخت صحیح از صورت و ماده مفردات قرآنی وجود ندارد. همین امر باعث شد [در این تفسیر] روش جامع را پیش بگیریم که روشنی ترکیبی است و در آینده شرح آن خواهد آمد.

به امید آن‌که ارائه این اصول و مقدمات برای تبیین تفسیر، مفید و موفقیت‌آمیز باشد و بتواند گام‌های مؤثری در شکل‌گیری نقشه جدید تفسیر معاصر برداشته و راهی خارج از زیاده گویی و تکرار بپیماید.

تفسیر در لغت و اصطلاح

«تفسیر» در لغت به معنای توضیح و تبیین است. مصدر فستر (با تشدييد سين) مضاعف فسر می‌باشد. تشدييد آن معنای متعدد ندارد، بلکه بر کثرت دلالت دارد، و نشان‌دهنده تلاش فکری مفسّر برای به دست آوردن معانی دقیق آن و انتخاب مناسب‌ترین الفاظ برای بیان که تلاش فراوانی را می‌طلبد، مخفف آن مصدر «فسر» است. هر دوی آنها به معنای کشف و تعیین است. در قاموس آمده: «فسر؛ ظهور و کشف از پوشیده است همچون تفسیر»، و در لسان عرب آمده: «الفسر؛ بیان، و تفسیر همانند آن است»، سپس گفت:

«الفسر؛ کشف از پوشاننده، و تفسیر کشف مراد از الفاظ مشکل است». اما در اصطلاح، هر چند که در تعریف و بیان حد تفسیر اختلافاتی وجود دارد، اما با توجه به وجه مشترک این تعاریف، که موضوع تمامی مسائل تفسیری و خصوصیات آن است، می‌توان به مضمون مباحث تفسیری نزدیک شد، و آن همانا قرآن کریم است.

بنابراین قرآن کریم - که سخن باری تعالیٰ که بر قلب پیامبر خاتم(ص) نازل شده است - موضوع تفسیر است. و از این جهت که کلام الهی است، موضوع تفسیر، بیان مراد الهی در چارچوب متن قرآنی خواهد بود، به اندازه توانایی بشر و سطح معرفتی مفسّر، و با این قید آشکار می‌گردد که مفسر - غیر معصوم - نمی‌تواند با قطع و یقین اعلام کند که مراد خداوند متعال این است ولا غیر.

علاوه بر آن میان کلام و مراد از کلمات باری تعالی تفاوت آشکاری وجود دارد، چه این که کلمات به معنای بحث لغوی در دایره وجود لفظی قرآن کریم است، اما کلام به معنای بحث در محتوای جمله، آیات، سوره و مضامین مشترک یک موضوع است، گرچه در کتاب پراکنده باشد، همان‌گونه که در مبحث روش تفسیر موضوعی به آن اشاره خواهیم کرد.

و کلمه گرچه در [معنای] ترکیبی جمله نقش دارد، اما در قرآن کریم به عنوان هدف مطرح نیست و به خودی خود در تفسیر به عنوان مقصد محسوب نمی‌شود، برخلاف جمله که هدف قرآنی و مقصد تفسیری محسوب می‌شود، در قرآن کریم جمله نیز هدف غایی نیست^۱، بلکه همچون حلقه‌ای است که در کنار حلقات دیگر موضوع قرآن کریم در یک موضوع خاص را مشخص خواهد کرد.

روش تفسیر و اهمیت آن

پس از روشن شدن معنای تفسیر و بیان اهمیت آن در فهم قرآن کریم، سوالی در سطح بسیار بالا و با اهمیت فوق العاده‌ای مطرح می‌شود: روش‌های تفسیر قرآن فراوانند، کدام روش می‌تواند هدف شناختی قرآن را بر عهده بگیرد؟

اما قبل از پاسخ به این سؤال ابتدا باید حقیقت روش تفسیر و اهمیت آن را بیان، سپس روش‌های تفسیر متداول که با هدف این تفسیر مناسب دارد را مطرح نماییم.

همان‌گونه که عسکری در فروق اللغات ذکر کرده است روش در لغت به معنای «راه روش» است.^۲ در اصطلاح، از این لفظ گاهی به روش و صورت استدلال اطلاق می‌شود، از این‌رو منطق ارسطویی به منطق صوری

۱. در متن اصلی «غایبا» آمده که ظاهرا اشتباه تایی است.

۲. الفروق النحوية، ابی هلال عسکری، تحقیق: مؤسسه نشر اسلامی، انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، ص ۲۹۸.

نیز خوانده می‌شود، برای این‌که کیفیت استدلال را بیان می‌کند، بنابراین منظور از روش این خواهد بود که اگر استدلال قیاسی داشته باشیم، یا اقتضانی است یا استثنائی، در صورت اول یا به شکل اول، یا دوم یا سوم است و الی آخر.

و گاهی از آن به عنوان ابزار فنی برای ثبت موضوع و تقسیم آن بر اساس بخش‌های موجود در علوم است، برای مثال زمانی که از روش تاریخی سخن می‌گوییم، مراد از آن مراحلی است که پژوهشگر تاریخ بر اساس آنها به جمع اسناد و نقد داخلی و خارجی آن می‌پردازد، و سپس واقعه تاریخی را نقل و در نهایت آن را علت‌یابی می‌نماید.

اما این معنا، که لفظ را صرفاً در سطح ابزار فنی پایین خواهد برد، و نیز معنای اول مدنظر نیست، بلکه معنای سومی از این لفظ مدنظر ماست و آن عبارت است از: مجموعه قوانینی است که انسان برای استنباط حقایق و عقاید خاصی به آنها نیاز دارد؛ یا کشف اصل قوانینی است که برای کشف یکی از حقایق از آن بهره می‌جویند.

بر این اساس شخصی که برای کشف حقیقت از قوانین عقلی استفاده می‌کند روش عقلی را برگزیده، و کسی که بر ادله نقلی تأکید دارد روش نقلی خواهد داشت، و هر که برای اثبات ادعای خود بر اساس تجربه عمل نماید روش تجربی دارد، و هر که مکاشفات عارفانه را به عنوان راه کشف حقیقت برای خود برگزیده روش کشفی دارد و الی آخر.

بنابراین منظور از روش در این بحث مجموعه قواعد و قوانینی است که استفاده از آنها به شرط عدم وقوع در خطأ، شخص را به نتایج قطعی و حتمی می‌رساند.

از این‌جا اهمیت روش در مجال‌های مختلف شناخت آشکار می‌شود، پژوهشگری که روش خود را قبلًا مشخص نکرده باشد به مهلهکات معرفتی دچار خواهد شد که پژوهش برای اثبات مدعای صرفاً او را از هدف دور خواهد کرد، و چه بسا معنای روایت منقول از امام صادق(ع) نیز همین باشد

که فرمودند: «عمل کننده بدون بصیرت همانند شخصی است که در بپراهم حرکت می‌کند هرچه سریع تر حرکت نماید بیشتر [از مقصد] دور خواهد شد»^۱، و بصیرت در این مقام همان روش است.

واضح است که تعیین روش تحقیق قبل از ورود به بحث، اهمیتی کمتر از خود روش ندارد؛ چه این که داشتن دلایل فراوان اما آشفته بدون روش، استدلال را مختلط خواهد کرد حتی اگر آن ادله یقینی باشند.

آگاهی بر جایگاه روش استدلال به طور کلی و در تفسیر به طور خاص، از آشتفتگی در تحقیق، که بسیاری از بزرگان اسلامی در تأیفات و مجالات مختلف خود دچار آن بودند، جلوگیری خواهد کرد.

چنانچه بتوانیم عرف را به عام و خاص تقسیم نماییم، بخش قابل توجهی از تأیفات بزرگان اسلامی در نتیجه گیری و ارائه افکار خود راه عرف خاص را در پیش گرفتند، و این پژوهش‌های غیر روشنمند آنان را از مسئولیت بازیابی نوشتۀ‌های خود معاف نمی‌کند. چه این که عمل بر اساس عرف خاص صحیح نیست، به خاطر آن که بر قواعد صحیح علمی استوار نیست، از این رو می‌بینیم که در علم اصول – مثلاً – مسائلی از فلسفه، کلام، منطق، رجال و لغت نیز دیده می‌شود، و این اضطراب در روش همان‌گونه که در مباحث علم اصول مطرح گردید، نتایج غلط و مشکلات معرفتی فراوانی به وجود آورده است.

و بدون شک این آشتفتگی در شناخت و انحراف به عرف غیر روشنمند، در تمامی مراحل تاریخی تفسیر نیز وجود داشته، چه در مرحله تأسیس نظری آن و چه در مرحله ثبت و ضبط مسائل آن یا در مراحل بعدی در نمونه‌های محدود خود، سعی در روشنمند کردن مباحث و پیمودن راه ایده‌آل برای کشف حقایق قرآنی داشتند، و چه بسا به طور نسبی موفق بوده، و هر

۱. الأصول من الكافي، ثقة الإسلام أبی جعفر بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، نشر دارالکتب الاسلامیة، چاپ ششم: کتاب فضل العلم، باب من عمل بغیر علم، حدیث ۱، ج ۱، ص ۴۳

چند تلاش‌های موفق و جلدی بوده اما هنوز در ابتدای مسیر تأسیس نظری تفسیر است.

و به خاطر اهمیت فوق العاده نتایج مأخوذه از آن که مهمترین آنها رسیدن سالم و موجز به مقاصد علم است، و نیز جهت شکوفایی این هدف در معرفت - که تحت عنوان ضرورت و اهمیت روش به آن اشاره کردہ ایم - به تفصیل در این موضوع سخن خواهیم گفت.

خطر گرایش‌ها در تفسیر قرآن

تمامی پیشامدهای فردی، اجتماعی، اعتقادی و شرایط زمانی محیط در هر عصری، در تشکیل گرایش مفسر برای برداشت نتایج قبلی خود از متن که سابقاً وجود داشته نقش دارند.

گرایش با روش تفسیر، در نتیجه‌گیری شناخت‌ها از متن قرآنی، تفاوت موضوعی دارد. همان‌گونه که روش تفسیر نقش مثبتی را در کشف و فهم معانی قرآنی ایفا می‌کند، گرایش‌های تفسیری نقش کاملاً متفاوتی دارد که شخص، همراه با گرایش‌های فکری، اعتقادی و قومی خود پیش می‌رود و از متن قرآنی برای توجیه عقاید سابق ذهنی خود بهره می‌گیرد. و [این عمل] در کلامی وسیع‌تر بدین معناست که نتایجی که صاحب گرایش از قرآن استنتاج می‌کند همان معلومات سابق اوست.

لازم به ذکر است که بازخوانی تفاسیر و بررسی دقیق آنها نشان خواهد داد، فقط تعداد کمی از آنها با نسبت‌های متفاوت از دایرہ گرایش‌ها خارج خواهند شد، و برخی از آنها را کاملاً در خدمت توجیه اهداف و اغراض اعتقادی یا فکری خود خواهیم دید، و در برخی دیگر اهداف سیاسی یا قومی و قبیله‌ای دیده می‌شود.

به هر حال خالی کردن ذهن از پایه‌های اعتقادی، اجتماعی، فکری و سیاسی خود قبل از تفسیر کار بسیار سخت و دشواری است، به ویژه اگر حالت انسداد معرفتی فردی و عدم پذیرش برداشت‌های مخالف، به طور کلی

یا جزئی در شخص به وجود آمده باشد.

خطر گرایش‌ها در این است که سعی دارند به غلط نگاه جهان‌بینی الهی مبتنی بر ستون‌های شریعت ارائه دهد، و گروهی از مردم را به گمراهمی و هلاکت دچار می‌کنند.

از این رو می‌بایست خواننده گرامی و به‌ویژه پژوهشگران به منابع معارف به‌طور کلی در علوم اسلامی و مخصوصاً در منابع تفسیری توجه نمایند، و از طرفی دیگر نسبت به موضع گیری و نتیجه‌گیری از نگاه دین که نوعاً بر اساس مسؤولیت شرعی در مقابل ملت انجام می‌گیرد نیز توجه فراوان داشت. و چه بسا یکی از خطرات گرایش‌های تفسیری این است که مفسر را ناخواسته به سوی تفسیر به رأی، که روایات صحیح فراوانی در ذم و تحریم آن وارد شده، سوق می‌دهد.

یکی دیگر از مسائلی که خطر آن از آنچه گذشت، کمتر نیست: جوامع تفسیری است که در دایره گرایش‌ها قرار گرفته‌اند، که معمولاً بخش وسیعی از شهرت بلکه اجماع را تشکیل می‌دهد و در نتیجه به عوام و حتی خواص گمان مشروع بودن ادعاهای و صحت مقدمات آنها، و برای متأخرین دواعی التزام به آنها را به وجود می‌آورد.

از این رو می‌بینیم تلاش‌های فراوانی برای جلوه دادن این گرایش‌ها به صبغه علمی و معرفتی، تحت عناوین مختلفی همچون مذاهب و مدارس و مشابه آن انجام شده است.

به هر حال هر تفسیری که در چارچوب روش تفسیری معتبر فرار نگیرد، همچون گرایشی خواهد بود که اغلب آن نتایج منفی در ساختار معرفتی تفسیر انباسته خواهد کرد، و از آنچه گذشته ضرورت التزام به روش تفسیری که تفسیر را راهبری و نتایج آن را مفید و پربار نماید، مشخص می‌گردد.

تفسیر به رأی

یکی از عوامل اصلی کندی حرکت تفسیر که مفسر را در معنایابی و غوص در اعماق آن باز داشته و گاهی به عنوان مانع برای استفاده از قرآن تلقی شده، متون مستفیضی است که فریقین از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) نقل شده و از پدیده تفسیر به رأی در قرآن سخن گفته‌اند.

- سعید بن مسیب از عبدالرحمٰن بن سمرة نقل می‌کند که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «هر کس قرآن را به رأی خود تفسیر نماید بـر خداوند دروغ بـسته است».^۱

- از سعید بن مسیب از ابن عباس نقل شده که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «هر که به رأی خود درباره قرآن سخن بگوید، جایگاه خود در آتش را آماده کرده است».

- ابو بصیر از امام صادق(ع) نقل کرده که ایشان فرمود: هر کس قرآن را تفسیر به رأی نماید اگر درست باشد اجری نبرده، و اگر اشتباه باشد از [جایی] دورتر از آسمان به پایین افتاده است.^۲

- از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که ایشان فرمودند: هر که به رأی خود درباره قرآن سخنی بگوید حتی اگر درست باشد به اشتباه رفته است.^۳
ابوداؤد، ترمذی و نسایی این روایت را نقل کرده‌اند.^۴

۱. تفصیل وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه، فقيه محدث شیخ محمد بن حسن الحر العاملی، متوفی ۱۱۰۴هـ تحقیق: مؤسسه آل البیت(ع) لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۲ق: کتاب القضا، الباب ۱۳ من ابواب صفات القاضی، حدیث ۳۷، ج ۲۷ ص ۱۹۰.

۲. تفسیر طبری معروف به: جامع البيان فی تفسیر القرآن، لابی جعفر محمد بن جریر الطبری، متوفی سنّة ۳۱۰هـ مرکز الكتاب العلمی قاهره، انتشارات دار الكتب العلمیة، بیروت - لبنان ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۵۸

۳. وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه): الباب ۱۳ من ابواب صفات القاضی، حدیث ۶۶، ج ۲۷، ص ۲۰۲.

۴. الانقان فی علم القرآن، امام سیوطی، متوفی ۹۹۱ق، دار الفکر، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۶هـ: ج ۲، ص ۴۴۵

له ترمذی در سنن (۲۹۵۰-۲۹۵۱) و نسائی در الكبری (۸۰۸۵-۸۰۸۴) و طبری در تفسیر: ج ۱،

از این دو گروهی از بزرگان سعی کرده‌اند با بررسی این متون جواب‌هایی برای این موضوع ذکر کنند. و ما در کتاب اصول التفسیر و التأویل این اقوال را نقل و بررسی کرده‌ایم.^۱

خلاصه این بررسی چنین بود که: مقوله تفسیر به رأی به یکی از دو صورت ذیل است، که با یکدیگر رابطه مانعه الخلو دارند و نه مانعه الجمع، و این دو به قرار ذیل است:

معنای اول: تفسیر به رأیی که مورد نهی قرار گرفته به طریق کشف معنا و نه مکشوف عنه مربوط می‌شود، به این معنا که تفسیر به رأی نسبت به روش و راهی که مفسر طی کرده مطرح می‌گردد، بنابراین چنانچه مفسر روش و طریق اشتباہی را بی بگیرد به تفسیر به رأی نهی شده گرفتار گشته، و به طور منطقی و طبیعی نتایج اشتباہی خواهد گرفت، هرچند ممکن است گاهی نیز به صواب رفته باشد.

به عبارت دیگر آنچه توسط پیامبر اکرم(ص) نهی شده، فهم و درک معنای کلام الهی همانند روش فهم کلام دیگران است، که گرچه ممکن است این روش گاهی صواب باشد، یعنی از این طریق که کلام الهی را با سخن مردم قیاس نماید، و همان‌گونه که - معمولاً - نزد عقلا در مواجهه با تمام گفتارها مرسوم است سخن مردم را بدون تطبیق قواعد کشف معانی گوییم منظور این سخن چنین است، برای این که سخن را بر اساس لغت و مصادیق کلمات در حقیقت و مجاز می‌شناسیم.

اما قرآن کریم - که سخنان خداوند متعال است - بر این روش جاری نیست، بلکه در عین جدایی به هم پیوسته و مرتبط است، بخشی از آن برای بخش دیگر مبین و شاهد است - همان‌گونه که در بخش برگزیده شده برای تفسیر خواهد آمد - بنابراین همان‌گونه که از آیه «فلا یتدبرون القرآن ولو

ص ۵۹، طبرانی در معجم الكبير (۱۲۳۹۲) نقل کرده‌اند.

۱. اصول التفسیر و التأویل، سید کمال حیدری، دار فراقد للطبعه و النشر: ص ۲۱۱-۲۳۸.

کان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» (النساء: ٨٢)، برداشت می‌شود، برای کشف معنای یک آیه تطبیق قواعد موجود در کشف معانی صرفاً بر آن آیه بدون بررسی و تدبیر در آیات مرتبط دیگر کافی نخواهد بود. و دلیل این معنا کلام پیامبر اکرم(ص) است که فرمود: «هر که به رأی خود درباره قرآن سخن بگوید هرچند صواب باشد به خطأ رفته است»، چه این که حکم بر اشتباه بودن تفسیر با فرض صواب بودن، فقط به خاطر اشتباه در راه و روش است. و همانند قول ایشان(ع) که فرمود: «اگر صواب گوید اجری نخواهد داشت».

معنای دوم: مفسر گرایش و مذهب خاصی داشته باشد و قرآن را به رأی خود به تأویل ببرد و معانی آن را به صورت غیرمتعارف برداشت نماید. پس چنانچه این مفسر نگاه مذهبی خود را حذف نماید و صرفاً به تفسیر متن بپردازد، نتیجه دیگری خواهد گرفت، چه بسا مفسر برای ادعای خود دلیلی بیاورد، و اصل دلیل نیز صحیح باشد اما بر ادعای او انطباق ندارد، و صرفاً برای استدلال بر عقیده مذهبی خود در این موضوع نقل شده است. و بنابراین مقصود او متن و یا حتی اصل دلیل نیست، بلکه از ابتدا صرفاً جهت اثبات مدعای خود از متن قرآنی بهره جسته است.

البته نباید گمان کرد تمایل مفسر به اعتقادات و اطلاعات قبلی خود هنگام خواندن و فهم قرآن کاملاً مردود است، بلکه تطبیق این اعتقادات و اطلاعات ذهنی بر متن قرآن کریم باطل و ناصواب است. و این همان معنایی است که با اصطلاح گرایش در تفسیر از آن یاد کرده‌ایم.

و چه بسا این مطلب در تفاسیر متعددی یافت می‌شود:

- مفسر بر اساس روش کلامی خاصی، در راستای مذهب و گرایش کلامی خود، آیات قرآن را تفسیر کرده، آیات موافق عقیده خود راأخذ می‌کرده و آیات مخالف را بر اساس مذهب خود به تأویل می‌برد.

۱. آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ هر گاه از سوی دیگری جز خدا می‌بود در آن اختلافی بسیار می‌یافتد.

- یا بر اساس روش فلسفی خاصی، که فلاسفة نیز همانند متکلمین در تأویل آیات برخلاف ظاهر آن در مقابل مسلمات فلسفه به معنای اعم - یعنی ریاضیات و طبیعت و هر دو بخش الهیات و حکمت عملی - به چاه افتاده‌اند، به ویژه طرفداران مدرسه مشاء که آیات ماوراء الطیعه، آفرینش، حدوث آسمان‌ها و زمین و آیات برزخ و معاد را به تأویل برده، بلکه حتی آیاتی که مخالف فرضیه‌ها و قوانین اعتباری علوم طبیعی از نظام افلاک و ترتیب عناصر و قوانین فلکیه و عنصریه گرفته تا دیگر مسائل آن را نیز به تأویل برده‌اند؛ با این که خود به صراحت گفته‌اند که این نظریه‌ها بر اساس قوانین اعتباری و فرضیاتی که هیچ دلیل و برهانی بر آن اقامه نشده پایه‌ریزی شده است.

- یا آنچه را که در تفاسیر به روش متصوفه دیده می‌شود، که به خاطر اهتمام به سیر باطنی آفرینش و توجه به آیات انفسی و ترك عالم ظاهر و آیات آفاقی، تنزیل را رها کرده و به تأویل اکتفا کردنده. در نتیجه مردم به تأویل جسارت پیدا کرده و بر اساس آن شعر گفتند، و از هر مسئله‌ای بر هر مسئله دیگری استدلال کرده تا این‌که به تفسیر آیات بر حسب جمل [وابجد] و ارجاع کلمات به آیات نورانی و ظلمانی و غیره رسیدند. و آشکار است که قرآن کریم صرفاً برای هدایت متصوفه نازل نشده، و مخاطبین آن اهل علم اعداد و اوقاف و حروف نیستند، و معارف آن نیز بر اساس حساب ابجد که منجمین پس از ترجمه علم نجوم از یونانی و غیره به عربی انتخاب کرده‌اند، نیست.



روش‌ها و شیوه‌ها

روش‌های تفسیر قرآن کریم

پس از بیان معنای روش که همان راه روشن است و این‌که عبارت است از روش اصولی برای رسیدن به مطلوب است، روش تفسیر را می‌توان به گونه‌ای واضح بیان کرد و آن عبارت است از راه انتخاب شده و چگونگی کشف معانی و اهداف قرآن کریم است. بنابراین همان‌گونه که تفسیر یافتن مراد و مفهوم قرآن کریم است، روش تفسیر نیز چارچوبی است که بر اساس آن این معانی کشف می‌گردد. از این‌رو چنانچه چگونگی و چارچوب تفسیر علمی، پژوهشی و تحقیقاتی باشد تفسیر نیز اصولی خواهد بود و در غیر این صورت انبوھی از اطلاعاتی خواهد بود که پژوهشگر و جوینده را از هدف معرفتی و علمی خود دور خواهد کرد.

بر این اساس همان‌گونه که روش تفسیر، هیئت و چگونگی کشف معانی قرآن کریم است، صورت و نتایج آن می‌تواند مختلف باشد، و این اختلاف کیفی و مقصدی همان چیزی است که گاهی از آن به عنوان اختلاف روش تفسیر تعییر می‌نماییم.

از این‌رو کیفیت و چگونگی تفسیر - به‌طور دقیق - به معنای روش تفسیر یا مدرسه یا مذهب تفسیر است - آن‌گونه که برخی معتقدند - که در حقیقت و تعداد آن اختلافاتی وجود دارد.

در این حوزه برخی متخصصین علوم قرآنی سعی کردند تحقیقات جدیدی در روش‌های تفسیر قرآن کریم ارائه دهند و روش‌های تفسیر معتبر مورد استفاده مفسرین را ثبت و ضبط نمایند.

اما این تحقیقات به رغم جدیت و مفید بودن در مسئله مهمی به بیراهم رفته، و آن پندار حصر روش‌ها و گرایش‌های تفسیر به تعداد محدودی است که به بیان عناصر و نمونه‌های آن پرداختند، و این اولین اشتباہ روش تفسیری است که نویسنده‌گان روش و گرایش‌های تفسیر گریبانگیر آن شده‌اند.

به خاطر این‌که روش‌های تفسیری را نباید به تعداد خاصی جز با استقراء ناقص محدود کرد. و در یک کلام: به خاطر ماهیت آن نمی‌توان آنها را در تعداد خاصی محدود کرد چه این‌که برخی از این روش‌ها اخیراً به وجود آمده‌اند و بسیاری از آنها سابقاً مورد توجه قرار نگرفته بودند.

به عبارت دیگر: گروهی از مفسرین قرآن کریم - و چه بسا اکثریت عام آنها - بدون انتخاب روش تفسیر معتبری که بر اساس آن به کشف معانی قرآن پردازد، به فرآیند تفسیر روی می‌آورند. و نهایت کار او جمع‌آوری مجموعه اطلاعاتی است که در نگارش اهداف کتاب به آنها نیاز داشته، بدون این‌که از قانون و قاعده خاصی تبعیت کند تا بر اساس آن صحت و سقم اطلاعات خود را بررسی نماید.

و این بدین معناست روش‌های تفسیر قرآن بسیار دیرتر از فرآیند تفسیر قرآن کریم که از دوران پیامبر اکرم(ص) شروع شده بود، تدوین گردید. و این‌که بالفظ تدوین متأخر از آن یاد کردیم به خاطر آن است که از لحاظ ریشه و ساختار - در سطح عملی و نه نظریه‌پردازی - همگام با مراحل اولیه روند تفسیر قرآن کریم آغاز شده بود. و نهایت ابتکاری که نویسنده‌گان روش‌های تفسیری داشتند، استخراج روش‌های پراکنده از متون تفسیری و سپس طبقه‌بندی تفاسیر تحت عنوانی روش‌های ثبت شده است. مثلًا از

تفسیر عیاشی^۱ و تفسیر صافی^۲ و تفسیر البرهان^۳ و تفسیر نورالقلین^۴ تفسیر روائی یاد کردند؛ یعنی این تفاسیر در کشف معانی و مفاهیم قرآن کریم بر اساس روش روائی عمل کردند؛ و همچنین تفاسیر دیگری که بر اساس روش عقلی، تجربی، کلامی یا روش دیگر عمل کردند.

به هر حال نتیجه‌ای که می‌خواهیم به آن برسیم این است که جمع آوری روش‌های تفسیری موجود شکل استقرائی دارد و همان‌گونه که آشکار است حصر عقلی نیست، و این بدین معناست که ایجاد قاعده کلی در تفسیر یا روش تفسیر برای فرآیند تفسیر، انحصاری نیست که مخصوص روشی خاص و معین یا روش‌های خاصی و معینی باشد، یا به آنچه که اکنون موجود است اختصاص داشته باشد و شامل ایجاد و اکتشاف روش‌های جدیدی نمی‌شود.

مهمترین روش‌های تفسیری:

- روش تفسیر روائی
- روش تفسیر عقلی
- روش تفسیر علمی - تجربی
- روش تفسیر قرآن به قرآن
- روش تفسیر جامع

گویا روش‌های مذکور مهمترین روش‌های موجود است که می‌توان از میان تفاسیر معروف آنها را رصد کرد، از این‌رو سعی خواهیم داشت توضیحی - اجمالی - درباره هر یک از آنها ارائه دهیم تا از میان آن روشی که در این کتاب مورد استفاده قرار خواهد گرفت را بیان نماییم.

۱. اثر محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۶۰ هـ)

۲. اثر ملا محسن ملقب به فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ هـ) که فقیهی، فیلسوف، عارف و عالم اخلاق سترگی بود.

۳. اثر علامه محدث سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ هـ)

۴. اثر عبد علی بن جمعه العروسوی الحوزی (م ۱۱۱۲ هـ) که محدث جلیل القدری بود.

١. روش تفسیر روایی

تفسیر به وسیله روایات مตقول از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت ایشان(ع)، نزد علماء و بزرگان به عنوان حلقه‌ای معتبر در سلسله روش‌های تفسیری محسوب می‌شود. و از این‌رو توجه متخصصان فن به بررسی سند صدور این گونه روایات و درک مفاهیم لفظی آن بر اساس قواعد معتبر معطوف گردید.

و در این‌جا میان علمای اعلام در دامنه پذیرش یا رد منابع روایی اختلاف شدیدی وجود دارد. مدرسه اهل بیت(ع) به روایات پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) بسته کردند - و دیگر روایان می‌بایست مورد جرح و تعديل قرار گیرند - اما مدرسه صحابه^۱ این دامنه را به تمامی صحابه گسترش دادند، در حالی که اکثر اهل بیت عصمت را از این دایره بیرون گذاشتند، و تنها به صدق صحابه بودن اکتفا کردند، و این امر به‌طور مستقیم در مجموعه علوم اسلامی و به‌ویژه علم کلام، علم فقه و علم تفسیر تأثیرگذار بود. و در نتیجه این اختلاف و تفاوت در تشخیص هویت منبع روایات و معیار پذیرش راوی به اهمیت و فایده تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی بچ می‌بریم.

علاوه بر آن تفسیر روایی از تفاسیر قدیمی و معمول آن دوران بلکه تفسیر اصلی و روش غالب تفاسیر در طول سه قرن اول هجری محسوب می‌شد، و چه بسا یکی از علل انتشار این روش که معمولاً با نوع ترتیبی لیا جزء به جزء^۲ صورت می‌گرفت، همین سلطه گرایش‌های روایی و حدیثی بر آن دوران بود^۳، به گونه‌ای که اغلب علماء در آن زمان محدث بودند، و طبیعی است که جنبه غالب در آنها بعد روایی و ظهور جنبه حدیثی باشد.

۱. مدرسه صحابه شامل تمامی مذاهب غیر از مذهب اهل بیت(ع) است.

۲. نک: المدرسة القرآنية، سیدشهید محمد باقر صدر(قدس سره)، تحقیق انجمن تحقیق در کنفرانس بین‌المللی شهید صدر(قدس سره)، انتشارات مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهید الصدر(قدس سره)، چاپ دوم، ۱۴۲۴ هـ قم مقدس: ص ۲۴.

در این بحث اختلافی وجود دارد که آیا تفسیر روائی زیر مجموعه تفسیر اصطلاحی قرار می‌گیرد یا این‌که بخشی از اقسام حدیث است؟ و همان‌گونه که روایات فقهی، اعتقادی و یا اخلاقی وجود دارد، به همین منوال روایات تفسیری نیز وجود دارد. از این‌رو همان‌گونه که صرف نقل روایات فقهی دلیل بر فقیه بودن نیست، صرف ذکر روایات [تفسیری] در ذیل آیات دلیل مفسر بودن نخواهد بود. به عنوان مثال در کتاب وسائل الشیعه - که یکی از مهمترین کتاب‌های معتبر در استنباط احکام شرعی است - مؤلف آن با دقت بسیار زیادی اغلب روایات فقهی را جمع و رده‌بندی کرد و سند روایات را حفظ و موضوعات مشترک را یکسان کرد، اما این کار باعث فقیه شدن شیخ حرمعلی نشد، بلکه توانایی او در استنباط احکام شرعی و نه جمع‌آوری روایات فقهی از او فقیه ساخت.

به هر حال این روش تفسیری با وجود تساهلی که در صدق روند تفسیری بر آن وجود دارد، از مشکل بزرگی رنج می‌برد که در دامنه روایاتی که به ما رسیده نهفته است، و آن این است که این روایات صرفاً نصف قرآن را بلکه یک سوم آن را به صورت ترتیبی تفسیر می‌نماید، و این مقدار در صورتی است که از سند روایات تفسیری که نوعاً به ضعف سند و اسرائیلیات مبتلا هستند چشم پوشی کنیم.^۱ و چه بسا کمبود چنین روایاتی از یک طرف و ضعف سند در آنها از طرفی دیگر باعث کندی حرکت تفسیری به ویژه در مدرسه اهل بیت(ع) گشت. و میزان اهتمام به علم تفسیر نیز کم بلکه به ندرت گرایید، حتی بدون در نظر داشتن فضای غلط اجتماعی که در مسیر علمی این علم قرار گرفته و عبور از آن را سخت می‌نمود.

۱. اسرائیلیات جمع اسرائیلیه و آن داستان یا افسانه‌ای است که از منبع اسرائیلی نقل شود، که سلسله سند آن چه به شخص و چه به کتاب متنه‌ی گردد، علمای تفسیر و حدیث این اصطلاح را استعمال کرده و به هر آنچه که در افسانه‌های قدیمی به تفسیر، حدیث و تاریخ پرداخته اطلاق می‌کنند، نک: کتاب «التفسیر و المفسرون» استاد محقق محمد هادی معرفت، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ دوم، ۱۴۲۸ هـ ایران: ج ۲، ص ۵۹۴

به هر حال این فضای منفی به تفسیر محدود نمی‌شود، بلکه دامنه آن به کلام - علم عقاید - و فلسفه نیز توسعه یافت و حتی به ادبیات نیز سرایت کرد.

۲. روش تفسیر عقلی

تفسیر در این روش به قواعد، شواهد و ادله عقلی بیش از ادله نقلی استناد می‌کند، البته در این روش قید قطعی بودن ادله مهم و ضروری است، تا در زیر مجموعه تفسیر به رأی اصطلاحی که شرعاً ممنوع و عقلاً مردود است قرار نگیرد.

تفسیر اجتهادی از زمان انفتاح باب اجتهاد در قرن اول و دقیقاً در نیمه دوم صدر اسلام آغاز گردید. و آنچه گفته می‌شود که در زمان تابعین باب اجتهاد باز شده با اجتهاد خلفای سه‌گانه نقض می‌گردد.

این روش تفسیری با وجود قدرت ابداع و امتیازات علمی آن مملو از خطأ و لغش‌هاست، و ابتلا به این لغش‌های شرعی و معرفتی، حالت استثناء و موقعی در جریان این روش تفسیری نیست، بلکه فراوان رخ می‌دهد و با پی گیری و تحقیق و اخلاص در نیت و عمل می‌توان آن را کاهش داد. از این روش به فراوانی برای تأیید اعتقادات خود استفاده کرده، و متن را بر آنچه که بدان ایمان دارند تفسیر می‌کنند، و معنای متن را در مسیری که خود بدان معتقد هستند قرار می‌دهند، با این توجیه که مادامی که مجتهد است گناهی بر وی نیست. بنابراین باید از این نوع توجیه، که متن را بر اساس مقاصد سابق خود تفسیر کنیم، بسیار بر حذر باشیم و احتیاط نماییم، چه این که این نوع - همان‌گونه که گذشت - از تفسیر به رأی خارج نخواهد بود.

البته نباید گمان داشت که تفسیر در تثبیت زمینه اعتقادی، اخلاقی و فقه نقشی ندارد، چه این که این مسئله از نتایج مثبت تفسیر محسوب می‌شود، بلکه آنچه ممنوع است استفاده از الفاظ و متن برای رسیدن به این هدف است، مسئله‌ای که باعث می‌شود که متن از قداست و هدف خود خارج

گردد، و تفسیر را نیز از هدف و نتیجه خود خارج نماید.
بنابراین اعمال نظر چنانچه با زمینه دلایل قطعی یا نزدیک به آن صورت
گیرد، مورد اعتماد و قابل قبول خواهد بود، و بدون این زمینه مجالی برای
اعتبار تفسیر اجتهادی وجود نخواهد داشت.

۳. روش تفسیر علمی - تجربی

مراد از آن مجموعه قضایای حقیقی است که با تجربه، مشاهده و حس قابل
اثبات باشد، و این مقدار همان علمی است که فلسفه وضعی بدان التزام دارد
و به تجربه در هر آنچه که واقعیت خارجی را اثبات نماید، اعتماد می‌نماید،
و هر آنچه که غیر قابل تجربه باشد از این علم خارج خواهد بود، بنابراین
مسائل غیبی و متأفیزیکی مدامی که غیر قابل تجربه و مشاهده باشند در این
دایره قرار نخواهد داشت.

با توجه به این که این روش تفسیر در درجه اول به استقراء جزئیات
مورد تجربه اعتماد می‌کند، به خاطر ناتوانی از انجام استقراء تمام از ارائه
نتیجه قطعی عاجز خواهد بود؛ از این رو نتایج آن ظنی است و نیازمند
مکملی است که عمل و استناد به آن را تأیید نماید.

مشاهده نیازمند تکرار است و تجربه نیاز به استمرار دارد تا بتوان از
نظریه مزبور به قانونی ثابت در نتایج و ضوابط رسید، با این وجود فلسفه
علم در نظریات جدید خود ناتوانی علوم طبیعی تجربی از رسیدن به قانون
را به اثبات رسانده و اصل اشکال را پیچیده تر کرد.

اما به هر حال با توجه به این که قرآن کریم در درجه اول کتاب هدایت
است و مسائل دیگر فرع بر این اصل محسوب می‌شود، این روش تفسیری
در راستای هدف تفسیر که همانا آمادگی در راه هدایت است قرار می‌گیرد.
و خدمت معرفتی که این روش علمی تجربی ارائه داد، مواجهه و پاسخ
به دشمنان قرآن که مدعی عدم موافقت معارف قرآنی با تجربه را پیش
می‌آورند، تا به این ترتیب قرآن کریم را صرفاً کتاب پند و اندرزی که بر

معارف حقيقی استوار نیست جلوه دهند.

در اینجا این روش تفسیری با تطبیق نتایج علمی بر داده‌های قرآن و اثبات بخش بزرگی از معجزه‌های علمی قرآن کریم سعی در ابطال این دروغ دارد، از اینجهت که قرآن کریم قرن‌ها قبل از اثبات این نتیجه به این مسئله خبر داده بود.

از این رو برخی از بزرگان علم تفسیر معتقدند که این روش بیش از آن که صبغه تفسیری داشته باشد، مصدق تطبیق است.^۱ و از حیث اعتماد به نتایج آن اختلاف بزرگی به وجود آمده، برخی راه افراط را در پیش گرفتند و همواره خود را به آن ملزم دانسته و نظریات علمی -را که بعدها بطلان بسیاری از آنها به اثبات رسید - بر قرآن تحمیل کردند، و خود را سخنگوی قرآن قرار داده که و آن را موافق نظر خود و مخالف آنچه که با آن مخالفند معرفی کردند،^۲ و قومی دیگر راه تفریط در پیش گرفته و هر نوع رابطه علم با قرآن را منکر شدند و گفتند که قرآن صرفاً کتابی است که احکام عالم آخرت و مسائل مربوط به آن را بیان می‌نماید.^۳ اما سخن صواب این است که نتایج علمی تجربی چنانچه با متن قرآنی یا ظاهر آن موافق باشد، مورد قبول خواهد بود و بدین ترتیب در مجال اعجاز علمی قرآن وارد خواهد شد، اما به غیر از آن نمی‌توان اعتماد و استناد کرد، و این به معنای نقی نتایج علمی تجربی نیست بلکه به عنوان عدم صحه گذاشتن تطبیق آن بر قرآن کریم در این مقام است، بدین ترتیب قداست قرآن کریم از طرفی و جایگاه تلاش‌های علمی تجربی از طرف دیگر حفظ خواهد شد.

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه سید محمد حسین طباطبائی، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت - لبنان: چاپ سوم، ۱۳۹۱ هـ، ج ۱، ص ۷.

۲. نک: الجواهر فی تفسیر القرآن المشتمل على عجائب بدنان المكونات و غرائب الآيات الباهرات، تأليف استاذ شیخ طباطبائی جوهری، نشر دار الفکر.

۳. نک: از متقدمین کتاب الموافقات فی اصول الشریعة اثر فقیه اندلسی ابی اسحاق شاطبی، نشر دار المعرفة، بیروت؛ و از متأخرین کتاب التفسیر و المفسرون للدکتور محمد حسین ذهبی مصری، نشر دار الكتب حديثة.

۴. تفسیر قرآن به قرآن

اولین، قدیمی ترین و مهمترین روش تفسیری و بلند مرتبه ترین آنهاست، به گونه‌ای که هیچ مفسری حتی کسانی که روشنی جدگانه همچون تفسیر روایی یا دیگر روش‌ها را انتخاب کردند، خود را از آن بی‌نیاز نمی‌دانند.

و منظور از آن - اجمالاً - این است که متون قرآنی خود مفسر یکدیگر باشند. بدین صورت که اگر بدانیم که تفسیر همان کشف معانی و منویات قرآن کریم است، در سایه این روش متن قرآنی که نیاز به کشف معنای آن داریم با متن دیگری از قرآن تفسیر و کشف معنا خواهد شد.

و این روش پایه و اساسی است که شیوه تفسیر موضوعی - همان‌گونه که بعداً آشکار خواهد شد - بر آن استوار است، چه این‌که نمی‌توان بدون این روش به نتیجه جدگانه‌ای - چه قبلی باشد یا بعدی - دست یافت. برای توضیح این نکته مثالی تطبیقی درباره شب مبارکی که قرآن در آن نازل شد ارائه می‌دهیم.

از آیه مبارکه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (البقره: ۱۸۵)^۱ می‌توان استفاده کرد که قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شده، وشاید چنین به ذهن خطرور نماید که در طول این ماه نازل شده باشد، اما این آیه که می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ» (دخان: ۳)^۲ اثبات می‌کند که نزول در یک شب از آن ماه بوده، اما باز این شب برای ما مبهم خواهد بود، که آن شب کدام شب است؟

در اینجا برای رفع این ابهام آیه سومی مطرح می‌شود و آن آیه مبارکه‌ای که می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر: ۱).^۳ بدین ترتیب هویت این شب مبارک که همانا شب قدر در این ماه مبارک است برای ما

۱. ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرو فرستاده شد.

۲. ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرو فرستاده شده‌ما آن را (یک جا) در شیی پر برکت (که شب قدر است) فرو فرستادیم.

۳. به یقین ما این (قرآن) را در شب قدر فرو فرستادیم.